

فوتبال ملی

ایران– روسیه دوستانه ولی کاملاً جدی

● تیم‌های ملی ایران و روسیه امروز ساعت ۱۹:۳۰ در دیداری دوستانه در یکی از ورزشگاه‌های میزبان جام جهانی ۲۰۱۸، به میدان می‌روند. به گزارش ایسنا، دیدار دوستانه تیم‌های ملی ایران و روسیه، ساعت ۱۹:۳۰ امروز در ورزشگاه شهر کاران برگزار می‌شود؛ دیداری که برخلاف هفت سال قبل، اهمیت بسیار زیادی دارد. روسیه (میزبان جام جهانی) به‌عنوان نخستین تیم و ایران به‌عنوان سومین تیم، حضورشان در جام جهانی قطعی شده و این بازی، محک خوبی برای هر دو تیم است. تیم ملی ایران به‌خاطر صعود زودهنگام به جام جهانی و رکورد بی‌شکستی در سال ۲۰۱۶، به‌عنوان یکی از شگفتی‌های این رقابت‌ها مطرح شده و برای روس‌ها هم جالب است که با چنین تیمی روبه‌رو شوند. حضور چندین بازیکن ایرانی در فوتبال روسیه، موجب شده فوتبال ایران برای روس‌ها غریبه نباشد. بدون شک، سردار آزمون، پدیده فوتبال ایران و لیگ برتر روسیه، چهره نخست این میدان است. این بازی از جهتی دیگر نیز برای ایران اهمیت دارد؛ حضور روسیه به واسطه میزبانی، در سید نخست قرعه‌کشی جام جهانی قطعی است؛ اما ایران برای حضور در سید سه، باید در این بازی به پیروزی برسد تا سقوط زیادی در آخرین رنکینگ فیفا نداشته باشد.

دست بالاتر ایران برابر روسیه

شاکردان کارلوس کی‌روش درحال حاضر در رده ۲۵ جهان قرار دارند. تیم ملی در پنج بازی گذشته خود، سه پیروزی و دو تساوی به دست آورده و در آخرین مصاف خود با تیم‌های اروپایی، توانست مونته‌نگرو را با حساب ۲ بر یک شکست دهد. ایران هفته گذشته نیز توانست توگو را با حساب ۲ بر صفر در آزادی شکست دهد.

جای خالی نسل طلایی روسیه در تیم ملی

تیم ملی روسیه در حالی تیم پنجاهوپنجم جهان است که نسبت به سال گذشته، افت کرده و نسل طلایی خود را در دهه نخست قرن ۲۱ میلادی، ندارد. آنها در جام کنفدراسیون‌ها هم دور از انتظار ظاهر شدند و در دور گروهی، مغلوب پرتغال و مکزیک شدند تا ـ از صعود به مرحله بعد جا بمانند.



تقابلی که ایران پیروز آن بود

دو تیم در شرایطی به میدان می‌روند که نسبت به هفت سال قبل، تغییرات زیادی داشته‌اند و شاید جایگاه هر دو تیم عوض شده باشد. نخستین بازی ایران و روسیه، ۲۰ بهمن ۱۳۸۹ در شهر ابوظبی برگزار شد و ایران با تک‌تک محمدرضا آندری آرشاوی، یوری ژیرکوف، رومن پاولیوچنکو و… در رده دوازدهم جهان قرار داشت و بسیار قدرتمند بود. در سوی مقابل، ایران در حالی به میدان رفت که شرایط مساعدی نداشت و برای نخستین‌بار منصوربان هدایت این تیم را به‌طور موقت در اختیار گرفته بود. مهم‌ترین چهره بازی نه در داخل زمین و روی نیمکت، بلکه روی سکوهای ورزشگاه بود. کارلوس کی‌روش که در روز قبل از بازی برای قبول هدایت تیم ملی به تهران آمده بود، در ورزشگاه حضور داشت و برای نخستین‌بار بازی ایران را از نزدیک تماشا می‌کرد.

علاوه بر سیدجلال حسینی، احسان حاج‌صفی، اکینفیف و ژیرکوف که بازمانده‌های آن بازی هستند، باید کی‌روش را هم بازمانده همان بازی در ابوظبی تلقی کرد. با آن بازی، کی‌روش از روی سکوها به روی نیمکت ایران منتقل شد و حوالی تیم به‌مراتب قدرتمندتری نسبت به هفت سال قبل ساخته است.

نایب‌رئیس فدراسیون فوتبال روسیه: فقط برای پیروزی برابر ایران بازی می‌کنیم

نایب‌رئیس فدراسیون فوتبال روسیه گفت: روسیه فقط برای پیروزی برابر ایران بازی می‌کند. به گزارش خبرگزاری دولتی روسیه (تاس)، سرگئی آتوخین گفت: ما از نتیجه پیروزی ۴ بر ۲ برابر کره‌جنوبی خوشحال و راضی هستیم. این بازی را به‌ویژه در نیمه‌دوم پسندیدیم؛ زیرا دینی و مهیج بود. هرچند دو گل دریافت کردیم؛ اما این بازی‌ها آزمایشی هستند و شرایط تیمی روسیه با آن‌ها آنگونه که نمایان است، نایب‌رئیس فدراسیون فوتبال روسیه در ادامه با اشاره به بازی دوم دوستانه تیم ملی کشورش در مصاف با ایران، گفت: کره‌جنوبی و ایران تیم‌های خوبی هستند؛ بنابراین هیچ‌کسی نباید آنها را دست‌کم بگیرد. روسیه بازی‌های خوبی را پیش‌رو دارد و فقط برای پیروزی به میدان می‌رویم. دیگر زمانی برای به‌تأخیرانداختن کسب نتایج خوب وجود ندارد. او در پایان با ابراز خوشحالی از حضور ۲۰ هزار تماشاگر در ورزشگاه اسپارتاک مسکو در بازی با کره‌جنوبی، گفت: خوشحالم که به فوتبال در روسیه توجه و علاقه بسیاری نشان داده می‌شود.

۴چند هفته‌ای است که از معاونت ورزش دانشگاه آزاد اسلامی استعفا داده‌اید. چه اتفاقی افتاد که تصمیم گرفتید با آمدن تیم‌مدیریتی جدید به دانشگاه آزاد اسلامی، بعد از چهار سال استعفا دهید؟

من از سال ۱۳۷۹ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی هستم. اما برای مدیریت در معاونت ورزش دانشگاه آزاد اسلامی، چهار سال پیش آقای میرزاده محبت کرد و از من دعوت کرد. ۳۰ سال دانشگاه آزاد در بخش ورزش، اداره کل بود. گفتند اگر شما بیایید، ما آن را ترفیع می‌دهیم و معاونت می‌کنیم. من هم پذیرفتم و چهار سال هم کار کردم. در جلسه‌ای که در خدمت آقای هاشمی‌رفسنجانی بودیم که ایشان حقیقتاً به ورزش به‌ویژه ورزش بانوان علاقه داشت، به من گفتند: «حالا که شما در دانشگاه آزاد معاونت شده‌ای و ورزش ارتقای پست پیدا کرده، من دلم می‌خواهد به ورزش بانوان اهمیت بیشتری بدهم». در شهریور ماه ۱۳۹۶ دوباره ورزش از معاونت به حالت اولیه برگشت. من هم استعفا دادم و استعفای من هم مورد پذیرش قرار گرفت و از دانشگاه آزاد رفتم. همان‌طور که گروه قبلی دانشگاه آزاد اسلامی دوست داشتند جایگاه ورزش ارتقا پیدا کند و به معاونت برسد، تیم‌مدیریتی جدید دوست نداشت جایگاه ورزش در سطح معاونت باشد. دوست داشتند دوباره اداره کل شود و به‌همین‌خاطر هم استعفا دادم. من هم به نظر تیم قبلی احترام گذاشتم و کار را پذیرفتم و هم به نظر تیم جدید احترام گذاشتم و استعفا دادم که تیم جدید راحت‌تر کار کند. درحال‌حاضر می‌توانم بگویم ثمره کاری ما در طول چهار سال، ۲۰ تیم ورزشی در بخش حرفه‌ای بود که ۱۱ تیم ما قهرمان ایران شد و پنج می‌م به سهمیه آسیا گرفت. به‌غیر از یک تیم، در لیگ‌های حرفه‌ای ایران، همه تیم‌های ما روی سکو رفتند. ۴۲۳ ورزشکار ملی، مربی و سرپرست از دانشگاه حقوق می‌گرفتند. اساسنامه باشگاه فرهنگی و ورزشی دانشگاه آزاد را هم نوشتیم و در هیئت امنای دانشگاه آزاد رای آورد. همچنین این باشگاه حدود دو سال و نیم قبل در دانشگاه آزاد اسلامی افتتاح شد. مثل خیلی از دانشگاه‌های خارج از کشور که دارای تیم‌های ورزشی هستند و باشگاه‌داری می‌کنند ما هم به همین سمت و سو آمدیم و باشگاه‌داری کردیم. تمام اعضا، به‌ویژه آقای هاشمی، آقای میرزاده و هیئت‌رئیس محترم از این کار ما و پیشرفت ورزش در دانشگاه آزاد خیلی خوشحال بودند. لازم می‌دانم، بگویم آقای دکتر میرزاده حقیقتاً برای دانشگاه آزاد اسلامی زحمت کشید. خیلی به روند روبه‌رشد در بخش پژوهش، آموزش و ورزش بها داد. از ایشان تشکر می‌کنم ولی تا یار که را خواهد و می‌لش به با شد.

۴از مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی صحبت کردید. آیا قبیل از فوت مرحوم هاشمی دیدار خصوصی‌ای با ایشان داشتید؟

یک روز آقا‌زاده ایشان، آقا محسن، به من گفت: «پدرم با شما کار دارد. در ضمن پاهای ایشان درد می‌کند دشان می‌خواهد شما بروید حرکات درمانی‌ای را با ایشان انجام دهید». وقتی من به منزل حضرت آیت‌الله رفتم، در اتاق خصوصی من را پذیرفتند و خدمت ایشان رسیدم. حتی به آقا محسن گفتند: «شما من را با آقای دادکان تنها بگذارید». یک‌سری حرکات در مورد استخوان ران ایشان که درد می‌کرد، با ایشان کار کردم. بعد هم از وضعیت دانشگاه و نحوه کار با آقای میرزاده از من پرسیدند. به مرحوم هاشمی گفتم: «خیلی به ورزش علاقه دارد و تعامل‌شان من ب بیش از معاونان دیگر است». این اولین جایی است که برای عموم این حرف را می‌زنم. به من گفتند: «دوست نداری برای مجلس کاندیدا بشوی؟»

من هم به ایشان گفتم: «نه به این کارها علاقه ندارم». مرحوم هاشمی در ادامه گفتند: «کسانی را دارم که نظر‌سنجی کرده‌اند و می‌گویند شما جزء سه نفر اول تهرانی، برای این کار بیا». مرحوم هاشمی دوباره گفتند: «الان نگو. برو فکر کن و بعد به من بگو». اما من بازهم به ایشان گفتم: «نه در این زمینه‌ها علاقه ندارم».

۴ درباره نحوه تعاملتان با

مرحوم هاشمی گفتید، شما نزدیک پنج سال در رأس فدراسیون فوتبال بودید. در آن زمان تعاملتان با رئیس دولت‌ها چگونه بود؟

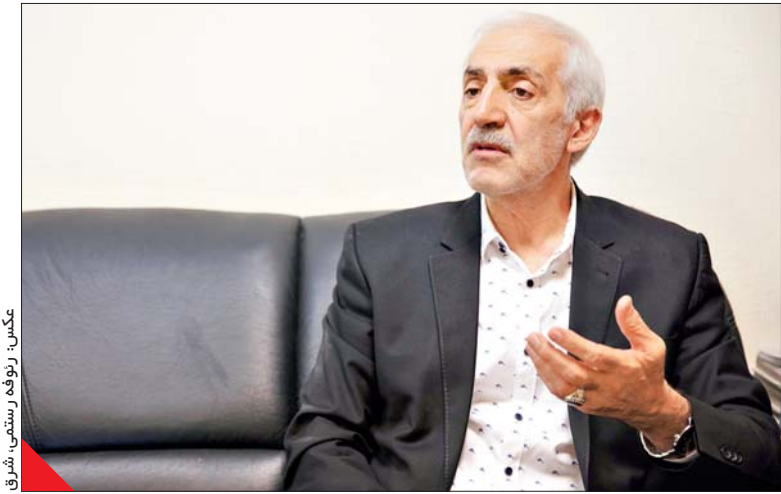
من دنبال اصلاح‌طلب‌بودن یا اصولگرابودن نیستم. من به دنبال این هستم که بگویم فردی رئیس دولت بود که جامع‌الشرایط بود و همه دوستش داشتند. دوست‌داشتن هم چیزی نیست که با این حرف‌ها بتوان آن را کم یا زیاد کرد. وقتی شما در ذهن و زبان مردم هستی، می‌توانی آن را دور کنی ولی وقتی در قلب رفتی و جایگاهی برای خود درست کردی، بیرون‌گذاشتن کسی از قلب‌ها، سخت است. در آن دوره که من نایب‌رئیس فدراسیون فوتبال بودم، رئیس جمهور به آقای مهدیس مهرعلیزاده، رئیس وقت سازمان تربیت‌بدنی، گفته بودند: «شرایط را برای رئیس‌شدن دادکان فراهم کنید».

من همان موقع خدمت ایشان رسیدم و به من گفت: «کارهای شما را که در گذشته کرده‌اید، می‌دانم». من مدیر اجرایی جشن‌های ازدواج دفتر مقام معظم رهبری بودم. برای جشنی که در ورزشگاه ۱۲هزار نفری آزادی برگزار شد رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه آمده بودند. در آنجا آقای خاتمی به من گفت: «آقای دادکان چرا زدی به عروسی؟» من هم گفتم: «وقتی مهندس‌ها به فوتبال می‌آیند، من هم زدم به عروسی». ایشان خندید و بعداً زمینه را مساعد کرده و گفته بود حتما دادکان باید در ورزش حضور داشته باشد. بعدها به ایشان نزدیک

ورزش

«محمد دادکان» در گفت‌وگو با «شرق» از آخرین ملاقاتش با مرحوم هاشمی‌رفسنجانی می‌گوید

سفرش انتخاباتی آیت‌الله



عکس:

رونق‌دهی رفسنجانی

شرق

مهدی زعیب‌زاده - **پارسا شیرازی‌نژاد**

محمد دادکان همیشه حرف‌های متفاوتی برای گفتن دارد. پایان کار او در معاونت ورزش دانشگاه آزاد اسلامی و عضویت او در کمیته جوانان AFC بهانه‌ای شد تا رئیس اسبق فدراسیون فوتبال میهمان روزنامه «شرق» باشد. دادکان در زندگی و حرفه خود نکات زیادی دارد که به آن افتخار کند. او در طول دوران فوتبال خود به‌عنوان مدافع راست حتی یک کارت زرد هم نگرفته است، با خود دفترچه‌ای را آورده که در آن عکس‌ها و مصاحبه‌های خود را جسیب‌بند است. اسناد خداحافظی او درواچ جوانی بدون گرفتن حتی یک اخطار در این دفتر خاطره‌انگیز موجود است و دادکان با افتخار این بریده‌های روزنامه‌ها را به ما نشان می‌دهد. به سراغ عکس‌های دوران قبل از انقلابش می‌رود. عکس‌هایی که در همه آنها ریش دارد را نشان می‌دهد و تأکید می‌کند از اول این‌گونه بوده و می‌خواهد بگوید بعد از انقلاب رنگ عوض نکرده است. یکی از مصاحبه‌های قبل از انقلاب خود را به ما نشان می‌دهد و می‌گوید: «ببینید در آن سال‌ها چه حرف‌هایی می‌زد، من هر زمان که احساس کنم عدالت کم‌رنگ شده وظیفه خودم می‌دانم صحبت کنم». او در این گفت‌وگو باز هم به گرفتن نشان لیاقت از رئیس دولت اصلاحات اشاره کرد و آن را از افتخارات خود دانست و با حوصله و صریح به سؤالات ما جواب داد.

هم شدم و افتخار هم می‌کنم که از دست ایشان نشان لیاقت و مدیریت گرفته‌ام. شاید تنها مدیر کشور باشم که موفق شدم نشان لیاقت و مدیریت بگیریم. یک مدیر دیگر، آقای یزدانی خرم هم نشان گرفت ولی نشان ایشان خدمت است و دیگر هیچ مدیری هم نشان نگرفت. خوشحالم که در آن عرصه به ایشان نزدیک شدم و تلمذ کردم.

۴ رابطه‌تان با رئیس‌جمهوری بعدی چگونه بود؟

آدم در یک وجب جا می‌خواهد، باید بگویم رئیس‌جمهور بعدی هم خیلی از من استقبال کرد. حتی زمانی که می‌خواست برای کسی که مسئول ورزش کشور شود حکم بزنم، من را صدا کرد و گفت: «به ایشان گفتم که به دادکان بچسب و از دانش و توانایی‌های دادکان استفاده کن. نگفتم که آقای دادکان به او بچسب». رئیس ورزش وقت هم من را صدا کرد ولی بعد دیگر به نرسبت رسیدیم.

۴ در دوره دوم ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد، وقتی شما از فوتبال رفتید، آیا ایشان در مورد فوتبال برای شما پیغامی فرستادند؟

چون ما یک سری مشکلات در فوتبال داشتیم، ایشان یک نامه‌ای را به آقای فرزخادی داد و برای من آوردند. در آن نامه چند نفر را اسم برده بود که یکی از آنها هم آقای کی‌روش بود و می‌خواستند درباره آن‌ها نظر دهم و بگویم کدام گزینه را برای تیم ملی بیاورند. من هم به آقای فرزخادی گفتم: «آقای رئیس‌جمهور کار خیلی خوبی می‌کند که یک مربی خارجی را می‌خواهد برای تیم ملی بیاورد ولی شما اجازه دهید فدراسیون فوتبال این کار را کند و من هم روی هیچ‌کدام از این گزینه‌ها نظر نمی‌دهم».

۴ پاییز سال گذشته بعد از اینکه محمود گودرزی

از وزارت ورزش و جوانان رفت، نام شما برای این وزارتخانه مطرح شد، موجی هم ایجاد شد و یک‌سری از ورزشکاران هم از شما حمایت کردند. آیا آن موقع با خود شما هم صحبتی شد؟

با واسطه با من صحبت شد. من هم این احساس را داشتم که اگر پنج کاندیدا وجود دارد، یکی از آنها هم من باشم چرا که رئیس فدراسیون بودم. برای وزیرشدن، نداشته باشم. می‌دانستم که محال است این کار را به ما بدهند.

۴ چرا این فکر را می‌کردید؟

به دلیل اینکه مشخص بود. در دوره اول ریاست‌جمهوری آقای روحانی ابتدا آقای سلطانی‌فر را معرفی کردند. قبل از معرفی آقای سلطانی‌فر، آقای صالحی‌امیری و آقای ربیعی من را صدا کردند و گفتند: «آقای رئیس‌جمهور روی این چهار مشخصه می‌خواهد وزیر ورزش و جوانان انتخاب کند. ۱- خوش‌نام باشد. ۲- متخصص باشد. ۳- با فساد موجود مبارزه کند. ۴- در ورزش خصوصی‌سازی کند». من هم گفتم: «۳ و ۴ را دارم، با فساد موجود مبارزه کرده‌ام. خصوصی‌سازی هم کرده‌ام. به‌همین‌خاطر می‌بینید وقتی من از فدراسیون فوتبال رفتم، پنج میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان در فدراسیون گذاشتم ولی مورد ۱ و ۲ را باید از مردم پرسیدم که من متخصص و خوش‌نام هستم یا نه». همان موقع در جلسه‌ای که در مرکز استراتژیک بود آقای ربیعی از تخصص و خوش‌نامی من یاد کرد و من هم تشکر کردم و آمدم. بعد دیدم که اصلاً انتخاب به این چهار فاکتور نیست. انتخاب رفیق است. من یارم الان هیچ‌جا پستی ندارم، من هم رئیس‌جمهور شدم کی‌جا او را بگذارم؟ منتظر بودند مجلس عوض شود و دوباره یار خوش‌نام را بگذارند. آقای احمدی‌نژاد این حرف‌ها را نمی‌زد که من متخصص، متعهد و خوش‌نام می‌خواهم. هرکسی رفیقش بود را می‌گذاشت. بعد از رفتن آقای گودرزی،

جلسه‌ای داشته باشم و به آنها گفتم: «آرزوی موفقیت برای ایشان می‌کنم و امیدوار هستم در کار خود موفق شوند ولی من جلسه‌ای با کسی نمی‌گذارم».

۴ از انتقادهای شما حرف زدیم. یک نفر مثل محسن صفایی‌فراهانی وقتی انتقادهای شما را در تلویزیون می‌بیند حرف شما را گوش می‌کند و می‌گوید آقای دادکان فکر و حرفی برای گفتن دارد و می‌آید کنارم و به من کمک می‌کند اما خیلی از مدیران این دید را ندارند و می‌گویند او وقتی از ما انتقاد می‌کند شاید با ما اهل تعامل نباشد. چه نظری در این ارتباط دارید؟

حرفی که زدید طلا بود. ایشان من را صدا کرد و به من گفت: «من برای شما نایب‌رئیس فدراسیون فوتبال را در نظر گرفته‌ام». من اما به آقای صفایی گفتم: «من چند ماه مشاور شما باشم اگر توانستم با هم کار کنیم در خدمت شما هستم». حدود چهار ماه مشاور ایشان بودم بعد من را به هیئت‌رئیس‌ه آورد و من نایب‌رئیس فدراسیون فوتبال و رئیس سازمان لیگ شدم. از خود آقای صفایی پرسیدم. وقتی تیم ملی نوجوانان ما با حمید درخشان به دلیل صغر سنی محروم شد، به تلویزیون رفتم و از آقای صفایی‌فراهانی انتقاد کردم. آنجا گفتم: «اینکه AFC ما را محروم کرده، کار درستی بوده و ما خطا کرده‌ایم». صبح که به فدراسیون رفتم، آقای صفایی من را صدا کرد و گفت: «با من هستی یا با شیر؟» من هم گفتم: «با حق» ایشان هم ناراحت نشد و حرف من را قبول کرد. با وجود اینکه نایب‌رئیس فدراسیون فوتبال و رئیس سازمان لیگ بودم، آقای صفایی‌فراهانی من را مدیر تیم‌های ملی هم کرد و گفت: «تو مدیر تیم‌های ملی نشوی تیم ما زمین می‌خورد». همه تیم‌های ملی دست من آمد و ما بازی‌های آسیایی بوسان رفتم و قهرمان شدیم. آن‌موقع آقای صفایی از فدراسیون رفته بود. من هم از همان بوسان به ایشان زنگ زدم و گفتم: «آقای صفایی کارهای شما نمر داد و من هم جزئی از آن بودم». از ایشان تقدیر کردم. در تلویزیون هم که رفتم از ایشان یاد کردم.

۴ درباره تماس وزارت ورزش با خودتان گفتید، از دوستان نزدیک شما که در هیئت‌رئیس فدراسیون فوتبال حضور داشتند، کسی بوده که آقای سلطانی‌فر از او دعوت کرده باشد و بخواهد با او کار کند؟

بله آقای ضیاءالدین شجاعی برهان بودند که جواب نه داده‌اند. از آقای شجاعی برهان دعوت کرده بودند و باید و برای باشگاه پرسپولیس کار کند. سمت خوبی هم در هیئت‌مدیره به او بدهند. اما آقای شجاعی برهان گفته بودند: «من به دو دلیل نمی‌آیم. ۱- مغفله کاری دارم. ۲- وقتی آقای دادکان در صحنه ورزش نیست من که ورزشی نیستم بیایم در ورزش چه کار؟» حالا که اسم آقای شجاعی برهان را بردم، می‌خواهم بگویم هیئت‌رئیس من در فدراسیون فوتبال، به‌ویژه آقای محمد شریعتمداری و آقای ضیاءالدین شجاعی برهان، خیلی به من کمک کردند.

۴ چه ارزیابی‌ای از آینده ورزش ایران با حضور مسعود سلطانی‌فر به‌عنوان وزیر ورزش و جوانان و محمدرضا داورزنی به‌عنوان معاون قهرمانی دارید؟
من فقط آرزوی موفقیت برای آنها می‌کنم. همه فکر و حساسیت من را نسبت به ورزش می‌دانند، ولی امیدوارم اقداماتی که انجام می‌دهند، سلیقه‌ای نباشد و به نفع ورزش کشور باشد.

۴ این روزها بحث حضور زنان و جوانان در مناصب مدیریتی مطرح است، حتی در مناظرات انتخاباتی هم شاهد این بودیم که کاندیداها

یکی از وعده‌هایی که می‌دادند، بحث حضور زنان و جوانان در مدیریت کشور است. نظر شما درباره حضور جوانان و بانوان در مناصب مدیریتی چیست؟
من اعتقاد به این ندارم که تفاوتی بین زن و مرد وجود دارد. به اعتقاد من هرکسی شایسته‌تر است. حالا این شخص یا زن است یا مرد، جوانان به این موضوع حساسیت من را نسبت به ورزش می‌دانند، ولی امیدوارم اقداماتی که انجام می‌دهند، سلیقه‌ای نباشد و به نفع ورزش کشور باشد.

۴ این روزها بحث حضور زنان و جوانان در مناصب مدیریتی مطرح است، حتی در مناظرات انتخاباتی هم شاهد این بودیم که کاندیداها یکی از وعده‌هایی که می‌دادند، بحث حضور زنان و جوانان در مدیریت کشور است. نظر شما درباره حضور جوانان و بانوان در مناصب مدیریتی چیست؟
من اعتقاد به این ندارم که تفاوتی بین زن و مرد وجود دارد. به اعتقاد من هرکسی شایسته‌تر است. حالا این شخص یا زن است یا مرد، جوانان به این موضوع حساسیت من را نسبت به ورزش می‌دانند، ولی امیدوارم اقداماتی که انجام می‌دهند، سلیقه‌ای نباشد و به نفع ورزش کشور باشد.

۴ این روزها بحث حضور زنان و جوانان در مناصب مدیریتی مطرح است، حتی در مناظرات انتخاباتی هم شاهد این بودیم که کاندیداها یکی از وعده‌هایی که می‌دادند، بحث حضور زنان و جوانان در مناصب مدیریتی مطرح است. نظر شما درباره حضور جوانان و بانوان در مناصب مدیریتی چیست؟

۴ این روزها بحث حضور زنان و جوانان در مناصب مدیریتی مطرح است، حتی در مناظرات انتخاباتی هم شاهد این بودیم که کاندیداها یکی از وعده‌هایی که می‌دادند، بحث حضور زنان و جوانان در مناصب مدیریتی مطرح است. نظر شما درباره حضور جوانان و بانوان در مناصب مدیریتی چیست؟

خبر

پایان ریاست ۲۸ساله میرسلیم بر فدراسیون نجات غریق

● ثبت‌نام از نامزدهای انتخابات ریاست فدراسیون نجات‌غریق در حالی به پایان رسید که مصطفی میرسلیم، غایب بزرگ این دوره از انتخابات است. طبق آیین‌نامه جدید شرایط احراز داوطلبان ریاست فدراسیون‌های ورزشی، حداکثر سن ۷۰ سال عنوان شده است که با توجه به این قانون میرسلیم (متولد ۱۹ خرداد ۱۳۲۶) با ۷۰ سال سن این‌بار موفق به ثبت‌نام در انتخابات نشد تا ریاست ۲۸ساله او بر فدراسیون نجات‌غریق به پایان برسد. نجات‌غریق از سال ۱۳۶۸ در ایران شروع به فعالیت کرده است و سیدمصطفی میرسلیم از ابتدای ریاست این رشته در ایران و بعد از انقلاب بر مسند ریاست این فدراسیون بود. فدراسیون نجات‌غریق و غواصی تابه‌حال سه دوره مجمع انتخابات ریاست برگزار کرده که در هر سه دوره میرسلیم انتخاب شده است. میرسلیم در ادوار قبل از این انتخابات هم که رؤسای فدراسیون‌ها از سوی رئیس سازمان تربیت‌بدنی منصوب می‌شدند، ریاست آن را بر عهده داشت و او در ۲۸ سال زمان فعالیت نجات غریق در ایران در سمت رئیس فعالیت کرده است. او یکی از کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری امسال نیز بود.

شانس بالای نعمتی برای عنوان بهترین ورزشکار معلول ماه

● فهرست پنج ورزشکار برتر معلول جهان در ماه سپتامبر ۲۰۱۷ از سوی کمیته بین‌المللی پارالمپیک اعلام شد تا برترین ورزشکار با رأی کاربران سایت این کمیته معرفی شود. در این فهرست پنج‌نفره نام زهرا نعمتی عضو تیم تیراندازی با کمان ایران به‌همراه «اریک هوری» رویینگ‌سوار استرالیایی، «جاستاس پازاراتوسکاس» عضو تیم کبالت لیثوانی، «جنتس پولات»، عضو تیم‌های دوچرخه‌سواری و تریاتلون هلند و «بیرگیت اسکارستین»، رویینگ‌سوار تیم نروژ قرار گرفته است. مهلت شرکت در این نظر‌سنجی در ساعت ۱۲ روز چهارشنبه هفته جاری تمام می‌شود و این در حالی است که تا این لحظه زهرا نعمتی به‌عنوان قهرمان جهان و پارالمپیک توانسته ۹۶٫۸ درصد آرا را به خود اختصاص بدهد و با اختلاف فراوانی نسبت به سایر نامزدها در صدر قرار داشته باشد.

برنامه

دوستانه ملی

- سه‌شنبه، ۱۸ مهر**

روسیه – ایران، ساعت ۱۹:۳۰

جام جهانی نوجوانان

- سه‌شنبه ۱۸ مهر**

ایران – آلمان، ساعت ۱۸

- جمعه ۲۱ مهر**

کاستاریکا– ایران، ساعت ۱۵

ادامه از صفحه ۷

همراه بازرگان

... ارتباط و دیدار با مراجع و علمای عراق و لبنان از جمله آیت‌الله خمینی و امام موسی صدر، انتشار نشریه پیام مجاهد ارکان نهضت آزادی ایران خارج کشور و همکاری با جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر که اواخر سال ۱۳۵۶ در ایران تأسیس شده بود و ... همچنین جلد سوم خاطرات که رویدادهای مستند ۱۱۸ روز اقامت در نوفل‌لوشاتو را گزارش می‌کند، بخش مهمی از ظرفیت و توان مدیریتی او را در مدیریت انقلاب و تعامل تعالی‌بخش روشنفکران دینی با روحانیت مبارز را در سال‌های قبل از انقلاب گزارش می‌کند. مجموعه خدمات دکتر یزدی در شورای انقلاب، دولت موقت و سپس پاسداری از آرمان‌های اصیل و اولیه انقلاب در دهه ۶۰ و ۷۰ در کنار زنده‌یادان مهندس بازرگان، دکتر بی‌الله سبحانی، احمد صدرحاج سیدجوادی و نهایتاً مسئولیت دبیرکلی نهضت آزادی ایران بعد از درگذشت مهندس بازرگان در سال ۱۳۷۳، بخشی از تاریخ زندگی دکتر یزدی را تشکیل می‌دهد که بررسی ابعاد مختلف آن می‌تواند درس‌ها و آموزش‌هایی برای نسل حاضر و آینده داشته باشد. به‌طور خلاصه می‌توان زندگی دکتر ابراهیم یزدی را در دوامد دو نهضت خدابرستان و نهضت آزادی مورد بررسی قرار داد که در بیش از ۶۰ سال تلاش و صبوری با پذیرش مسئولیت و تحمل هزینه‌های سنگین، گفتمان بازرگان و راه صدق را در طول عمر سیاسی خود پیگیری کرده و همواره همراه و یکیگر راه بازرگان بوده است.

بی‌نوشت‌ها:

۱- در تمام دوران دانشجویی و سال‌های پس از آن تا سالان ۱۳۳۹ من این توفیق را داشتم که در جلسات قرآن شب‌های جمعه طالقانی به‌طور کم و بیش مرتب حضور پیدا کنم (خاطرات جلد اول – صفحه ۱۵۴)

۲- به یاد دارم در همان سال‌های اول دهه ۶۰ آیت‌الله خمینی در یک دیدار خصوصی به آقای دکتر یزدی پیشنهاد ریاست‌جمهوری می‌دهد ولی دکتر یزدی پاسخ می‌دهد که من بازرگان را رها نمی‌کنم. (نقل به مضمون).